

شعاع الابرار

امير المؤمنين عدى عليه السلام

ترجمہ محمد تقی جعفری



عنوان قراردادی : نهج البلاغه، فارسی - عربی
 عنوان و نام پدیدآور : نهج البلاغه علی(ع) / [گردآورنده شریف رضی؛ محمدتقی جعفری؛ [برای] مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
 مشخصات نشر : تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۸۲۶ص.
 شابک : 978-964-476-456-1

وضعیت فهرست نویسی: فیا
 عنوان دیگر : نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
 موضوع : علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق - خطبهها
 موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I, 660-661 - *Public speaking
 موضوع : علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق - کلمات قصار
 موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I, 660-661 - Quotations
 موضوع : علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق - نامهها
 موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I, 660-661 - Correspondence
 شناسه ۷۰۰ : شریف الرضی، محمد بن حسین، ۳۵۹ - ۴۰۶ق، گردآورنده
 شناسه جزود : Shareef ar-Raz, Muhammad bin al-Hassan
 شناسه افزوده : جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۰۲ - ۱۳۷۷، مترجم
 شناسه جزوده : Muhammad Taghi, Jafari Tabrizi
 شناسه افزوده : تدوین و نشر آثار علامه جعفری
 شناسه افزوده : Allameh Jafari Inst.
 شناسه افزوده : دفتر نشر فرهنگ اسلامی
 رده بندی کنگره : B۲۸/ ۴۱۱
 رده بندی دیویی : ۲۴ / ۹۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۰۰۰۴



دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نسخه تایید شده

نهج البلاغه علی

ترجمه محمدتقی جعفری (ره)

آماده سازی: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

به ۱۰۰ م: زنده یاد داریوش شاهین - علی جعفری

چاپ اول: ۱۳۹۶

این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه در چاپخانه کانونچاپ، لیتوگرافی، چاپ و سحافی مد.

شابک: ۱- ۴۵۶ - ۴۷۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

بها: ۴۸۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

دفتر مرکزی: پاسداران، میدان هروی، خیابان شهید افتخاریان، کوچه مریم، پلاک ۲۳. تلفن: ۲۲۹۴۰۰۵۴ - ۲۲۹۴۰۰۵۴

نمابر: ۲۲۹۵۶۴۰۱ کد پستی: ۱۶۶۹۷۴۷۴۱۴

مدیریت بخش و توزیع: تهران، خیابان فردوسی جنوبی، روبه روی فروشگاه شهر و روستا، بن بست هنر، بن بست اول،

پلاک ۴ و ۵. تلفن: ۳۳۹۲۰۳۰۷ - ۳۳۹۱۲۳۵۵

فروشگاه ها و مراکز بخش

■ فروشگاه شماره یک: تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵

■ فروشگاه شماره سه: تلفن: ۲۲۸۵۵۱۶۴

■ نشانی الکترونیک: www.daftarnashr.com

■ نشانی الکترونیک مؤسسه علامه جعفری: www.ostad-jafari.com تلفن مؤسسه علامه جعفری: ۴۴۰۹۱۰۴۲ - ۴۴۰۹۱۰۴۲

■ پیامک: ۳۰۰۰۴۸۵۰

خواهشمند است نظرات خود را درباره این کتاب با ذکر نام آن به صورت پیامک ارسال فرمایید.

فهرست

در آغاز	۲۵
مقدمه	۲۷
سید شریف رضی که بود؟	۳۵
مقدمة السيد الشريف الرضي	۳۹
ترجمة مقدمة سيد شريف رضی	۴۳

خطبه‌های امیرالمؤمنین علی (ع)

خطبه	عنوان	صفحه
۱	ستایش خ وندی، آفرینش جهان، فرشتگان، توصیفی از خلقت آدم، برگزیده شدن پیامبران، بعثت خاتم الانبیاء، هر چه آنها حکیم و حج بیت الله الحرام.	۴۹
	آفرینش جهان	۴۹
	آفرینش فرشتگان	۵۱
	توصیفی از خلقت آدم	۵۳
	برگزیدن پیامبران	۵۵
	بعثت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (ص)	۵۷
	قرآن و احکام شرعیه	۵۹
	ذکر حج خانه خدا	۵۹
۲	پس از بازگشت از نبرد «صفین» مشتمل بر حال و روز آن‌ها، سن ائمه و نیز اوصاف خاندان پیامبر و صفتهای گروهی دیگر	۶۱
	آل محمد (ص) چه کسانی هستند؟	۶۳
	ردیف مقابل آل محمد (ص) چه کسانی هستند؟	۶۳
۳	خطبه شوقشقیه	۶۳
	ارجح داشتن صبر	۶۵
	مبايعه علی (ع)	۶۷
۴	موعظه مردم، این خطبه را پس از کشته شدن طلحه و زبیر فرمود	۶۹
۵	نهی از آشوبگری و درباره اخلاق و علم خود	۷۱
	نهی از فتنه	۷۱
	اخلاق و علم او	۷۱

۶	زمانی فرمود که به آن حضرت گفتند طلحه و زبیر را تعقیب ننماید.	۷۳
۷	سرزنش پیروان شیطان	۷۳
۸	اشاره به ادعای پوچ زبیر و دعوت او برای بازگشت به بیعت	۷۳
۹	درباره صفت خود و صفت دشمنانش. توصیفی است درباره گردانندگان جنگ جمل.	۷۵
۱۰	شیطان و یا گروه شیطان صفت	۷۵
۱۱	در جنگ جمل به فرزندش محمد بن الحنفیه، هنگامی که پرچم را به دست او داد.	۷۵
۱۲	هنگامی که خداوند امیرالمؤمنین (ع) را بر اصحاب جمل پیروز ساخت، یکی از یارانش عرض کرد: دوست داشت برادرم فلان، وضع کنونی ما را مشاهده می کرد و می دید چگونه خداوند تو را بر دشمنانت پیروز خسته است.	۷۵
۱۳	سرزنش اهل بصره پس از حادثه جمل	۷۷
۱۴	درباره بصره	۷۷
۱۵	درباره داندن مسلمانان که عثمان به اراده شخصی خود به دیگران بخشیده بود.	۷۷
۱۶	آن هنگام که مدینه را اویر کردند، در این سخن، اطلاعی را که از سر نوشت احوال مردم دارد، خبر می دهد و مردم را به فروغی تقسیم می نماید.	۷۹
۱۷	توصیف کسی که در میان اعدای بیستگی، متصدی منصب قضاوت می شود. در آن، دو صنف از مردم مطرح می شوند که مبعوض تر از مردم ندایت	۸۱
۱۸	در سرزنش اختلاف علماء در فتوا	۸۵
	سرزنش اهل رأی	۸۵
	حکم از آن قرآن است	۸۵
۱۹	به اشعث بن قیس	۸۷
۲۰	دور ساختن مردم از غفلت و همدار به لزوم پناهندگی به خدا	۸۷
۲۱	سخنی جامع موعظه و حکمت	۸۹
۲۲	هنگامی که خبر بیعت شکنان به او رسید.	۸۹
	توبیخ بیعت شکنان	۸۹
	خون عثمان	۸۹
	تهدید به جنگ	۹۱
۲۳	تهذیب فقرا به وسیله زهد، و تادیب اغنیا به وسیله مهر و شفقت	۹۱
	تهذیب فقراء	۹۱
	تادیب اغنیا	۹۳
۲۴	سخنی است جامع که جهاد با مخالف را تجویز نموده، به اطاعت خداوندی و رسیدن به ترقی در آن اطاعت، برای تضمین وصول به کمال دعوت می نماید.	۹۳

خطبه	عنوان	صفحه
۲۵	اخبار تسلط یاران معاویه بر شهرها، و خطاب به «عبدالله بن عباس» و «سعید بن نمران»	۹۵
۲۶	توصیف عرب پیش از بعثت پیامبر اکرم ﷺ، و بیان حال خود پس از بیعت با او	۹۷
	عرب پیش از بعثت	۹۷
	بیان حال خود پیش از بیعت	۹۷
۲۷	هنگام خبر هجوم لشکریان معاویه به انبار	۹۷
	فضیلت جهاد	۹۷
	تحریک مردم بر جهاد	۹۹
	دلتنگی از سستی مردم	۹۹
۲۸	ستایش خدا، را که یأس بر رحمتش راه ندارد	۱۰۱
۲۹	ناراضی شدن حکمین، بعد از آن که «ضحاک بن قیس» به کاروان حج تاخت و آن را غارت کرد	۱۰۳
۳۰	مردی قتل عثمان، حکم بر له و علیه عثمان فرموده و محکوم نمودن مردم در کاری که کردند	۱۰۵
۳۱	هنگامی که «عبدالله بن عباس» را نزد زبیر فرستاد	۱۰۷
۳۲	توصیف شیوخ و جفا بر این خود و تقسیم مردم به پنج گروه	۱۰۷
	معنای ستم زمان	۱۰۷
	گروه‌های مردم	۱۰۷
	طلب‌کنندگان خدا	۱۰۹
	زهد ورزیدن در دنیا	۱۰۹
۳۳	زمانی که برای پیکار با اهل بصره بیرون می‌رفتند	۱۱۱
	حکمت مبعوث شدن پیامبر	۱۱۱
	فضل علی	۱۱۱
	سرزنش کسانی که بر او خروج کردند	۱۱۱
۳۴	پس از فراغت از غائله خوارج در تحریک مردم برای نبرد با اهل کوفه	۱۱۳
	طریق راستی	۱۱۳
۳۵	پس از داستان حکمت و رسیدن نتیجه کار دو حکم به او	۱۱۵
	ستایش خداوند در بلاها	۱۱۵
	سبب آشوب	۱۱۵
۳۶	تهدید اهل نهروان	۱۱۵
۳۷	بیان فضایل خود پس از حادثه نهروان	۱۱۷
۳۸	علت این که شبیهه، «شبیهه» نامیده می‌شود و بیان حال مردم	۱۱۷
۳۹	هنگامی که از جنگ «نعمان بن بشیر» یاور معاویه در «عین التمر» اطلاع یافت	۱۱۹
۴۰	در خصوص خوارج، وقتی گفتارشان را شنید که می‌گفتند: «حکمی نیست، جز از آن خدا»	۱۱۹
۴۱	نهی از حيله‌گری	۱۲۱

خطبه	عنوان	صفحه
۴۲	ترساندن مردم از تبعیت از هوا و درازی آرزو در دنیا	۱۲۱
۴۳	زمانی که یاران او پیشنهاد آمادگی برای نبرد با اهل شام نمودند، پس از فرستادن «جریر بن عبدالله بجلی» به سوی معاویه برای گرفتن بیعت به علی بن ابیطالب علیه السلام ، و معاویه بیعت آن حضرت را نپذیرفت.	۱۲۳
۴۴	هنگامی که «مصقله بن هبیره شیبانی» به طرف معاویه گریخت.	۱۲۳
۴۵	روز عید فطر و ستایش خدا و توبیخ دنیا.	۱۲۳
	ستایش خداوند	۱۲۳
	نکوهش دنیا	۱۲۵
۴۶	هنگام تصمیم برای حرکت به شام. دعایی است که وقتی پای در رکاب می گذاشت، خواند.	۱۲۵
۴۷	رباره کوفه	۱۲۵
۴۸	هنگام حرکت به سوی شام	۱۲۵
۴۹	بیان حسی از توبی و علم الهی	۱۲۷
۵۰	بیان فلسفی که رجسایران عالم می شود	۱۲۷
۵۱	هنگامی که یاراز معاویه در صحن بر شط فرات مسلط شدند	۱۲۹
۵۲	تشویق مردم به زهد و بیان پاداش خداوندی بر پارسایان	۱۲۹
	ثواب پارسایان	۱۲۹
	نعمت های خداوند	۱۳۱
۵۳	توصیف مشخصات قربانی	۱۳۱
۵۴	توصیف یاران خود که در جنگ صفین مانع از نبرد با شیمان می شدند	۱۳۱
۵۵	تأخیر در اجازه دادن برای آغاز جنگ در صفین	۱۳۱
۵۶	توصیف اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز صفین	۱۳۳
۵۷	سخنی است در توصیف مردی پلید، و بیانی در فضیلت خود	۱۳۳
۵۸	هنگامی که خوارج از حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام کناره گیری نمودند و گفتند: «حکمی نیست جز از آن خدا»	۱۳۵
۵۹	هنگام تصمیم به جنگ خوارج، زمانی که به آن حضرت گفتند خوارج از بل نهر و ... رده اند.	۱۳۵
۶۰	هنگام کشته شدن همه خوارج	۱۳۵
۶۱	حق را بجوید	۱۳۵
۶۲	هنگامی که آن حضرت را از غافلگیر شدن برای قتل او هشدار دادند.	۱۳۷
۶۳	بر حذر داشتن مردم از فتنه های دنیا	۱۳۷
۶۴	در پیشدستی به اعمال صالح	۱۳۷
۶۵	مباحث لطیف از علم الهی	۱۳۹

خطبه	عنوان	صفحه
۶۶	تعلیم جنگ و کارزار در «لیلة الہریر».....	۱۴۱
۶۷	ہنگامی کہ اخبار سقیفہ پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ بہ آن حضرت رسید.....	۱۴۳
۶۸	ہنگامی کہ مصر را بہ «محمد بن ابی بکر» واگذار فرمود و محمد گشتہ شد.....	۱۴۳
۶۹	سرزنش بعضی از یارانش.....	۱۴۳
۷۰	سحرگاہ روزی کہ ضربت شہادت بر تارک مبارکش زدہ شد.....	۱۴۵
۷۱	سرزنش اہل عراق و پاسخ تہمت دروغ.....	۱۴۵
۷۲	تعلیم مردم در خصوص درود بہ پیامبر اکرم ﷺ و بیان صفات خداوند سبحان.....	۱۴۵
	صفاء خداوند.....	۱۴۵
	صفاء پیامبر ﷺ.....	۱۴۷
	عابا پیامبر ﷺ.....	۱۴۷
۷۳	دربارۂ مہان بن حنظل.....	۱۴۷
۷۴	زمانی کہ شور تصمیم بیعت با عثمان گرفتہ بود.....	۱۴۹
۷۵	وقتی اطلاع پیدا کردہ شد کہ عثمان متہم می کنند.....	۱۴۹
۷۶	تحریک بر عمل صالح.....	۱۴۹
۷۷	زمانی کہ «سعید بن العاص» آن حرکت از حد منع نمود.....	۱۵۱
۷۸	ہنگامی کہ دعا می کرد.....	۱۵۱
۷۹	زمانی کہ تصمیم حرکت بہ سوی خوارج گرفت.....	۱۵۱
۸۰	پس از پایان یافتن جنگ جمل دربارۂ زنان.....	۱۵۳
۸۱	معنای زہد.....	۱۵۳
۸۲	سرزنش دنیا.....	۱۵۳
۸۳	خطبہ «غزا».....	۱۵۵
	صفت خداوند جل شآنہ.....	۱۵۵
	وصیت بہ تقوا.....	۱۵۵
	برحذر داشتن از دنیا.....	۱۵۷
	برانگیختہ شدن و حیات پس از مرگ.....	۱۵۷
	تنبیہ مردم.....	۱۵۹
	فضیلت متذکر ساختن انسان ہا.....	۱۵۹
	تذکر بہ انواع نعمت ہا.....	۱۶۱
	برحذر داشتن از ہول و خطر صراط.....	۱۶۳
	سفارش بہ تقوا.....	۱۶۵
	توصیف خلقت انسان.....	۱۶۵

خطبه	عنوان	صفحه
۸۴	دربارهٔ عمرو بن العاص	۱۶۹
۸۵	هشت صفت از صفات جلال خداوندی	۱۷۱
	در توصیف بهشت	۱۷۳
۸۶	صفات حق جل جلاله، و موعظهٔ مردم دربارهٔ تقوا و مشورت	۱۷۳
	پند مردم	۱۷۳
۸۷	صفات مردم متقی و رشديافتگان، صفات مردم فاسق و منحرف و اشاره به مقام عظیم خاندان عصمت	۱۷۵
	صفات منحرفین	۱۷۷
	دودمن پیامبر اکرم ﷺ	۱۷۹
	دمانی خطاکارانه	۱۷۹
۸۸	علل هلاکت مردم	۱۸۱
۸۹	دربارهٔ رسول، رسول، حم و ابلاغ امیرالمؤمنین از حضرت رسول ﷺ به امت اسلامی	۱۸۱
۹۰	بیان قید حریت و عتق مخلوقات او	۱۸۵
۹۱	خطبهٔ اشباح	۱۸۷
	توصیف خداوندی	۱۸۷
	توصیف خداوندی در قرآن	۱۸۹
	توصیف آسمان	۱۹۳
	توصیف فرشتگان	۱۹۵
	توصیف زمین و فرو رفتن [اکثر نقاط آن] در آب	۱۹۹
	نیایشی در همین خطبه	۲۰۷
۹۲	بیعت مردم با آن حضرت پس از کشته شدن عثمان	۲۰۷
۹۳	بیان فضیلت و علم خود و بیان فتنهٔ بنی امیه	۲۰۷
۹۴	توصیف خداوند سبحان و فضیلت رسول خدا	۲۱۱
	خداوند متعال	۲۱۱
	توصیف پیامبران	۲۱۱
	رسول الله ﷺ و خاندانش	۲۱۱
	پند مردم	۲۱۳
۹۵	فضیلت پیامبر اکرم ﷺ	۲۱۳
۹۶	پیرامون خداوند و رسول اکرم ﷺ	۲۱۳
۹۷	دربارهٔ اصحاب خود و اصحاب رسول خدا ﷺ	۲۱۵
	یاران علی علیه السلام	۲۱۵
	یاران رسول الله ﷺ	۲۱۷

خطبه	عنوان	صفحه
	خداوند متعال	۲۱۳
	درباره پیامبر اکرم ﷺ	۲۱۳
۹۸	اشاره به ظلم بنی امیه	۲۱۹
۹۹	تشویق مردم به زهد و اجتناب از این دنیا	۲۱۹
۱۰۰	رسول خدا و اهل بیت او ﷺ	۲۲۱
۱۰۱	درباره ملاحم (حوادث بزرگ در توفان فتنه‌ها)	۲۲۳
۱۰۲	ذکری از روز قیامت و احوال آینده مردم در آن روز	۲۲۵
	روز قیامت	۲۲۵
	آیندگی که در انتظار مردم است	۲۲۵
۱۰۳	رعیت مردم به پارسایی در دنیا	۲۲۵
	صفت انسان عال	۲۲۷
	آخر الزمان	۲۲۷
۱۰۴	یاران پیامبر ﷺ	۲۲۷
۱۰۵	درباره بعضی از صفات پیامبر اکرم ﷺ تهدید بنی امیه و موعظه مردم	۲۲۹
	رسول کریم	۲۲۹
	درباره بنی امیه	۲۲۹
	پند مردم	۲۳۱
۱۰۶	فضیلت اسلام و ذکری از پیامبر اکرم ﷺ	۲۳۱
	دین اسلام	۲۳۱
	ذکر پیامبر اکرم ﷺ	۲۳۳
	خطاب به یارانش	۲۳۳
۱۰۷	بعضی از روزهای صفین	۲۳۵
۱۰۸	بیان کارزارها و حوادث بزرگ	۲۳۵
	خداوند متعال	۲۳۵
	ذکر پیامبر ﷺ	۲۳۷
	فتنه بنی امیه	۲۳۷
۱۰۹	بیان قدرت خداوندی و انحصار عظمت در او و امر قیامت	۲۳۹
	قدرت خداوندی	۲۳۹
	فرشتگان با عظمت	۲۴۱
	نافرمانی مردم	۲۴۱
	قیامت	۲۴۵
	زهد پیامبر اکرم ﷺ	۲۴۷
	ذکر پیامبر ﷺ	۲۴۷

خطبه	عنوان	صفحه
	اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ	۲۴۷
۱۱۰	ارکان دین	۲۴۷
	اسلام	۲۴۷
	فضیلت قرآن	۲۴۹
۱۱۱	توبیخ دنیا	۲۴۹
۱۱۲	ملک الموت و گرفتن جان آدمی توسط او و ناتوانی مخلوقات از توصیف خداوندی	۲۵۳
۱۱۳	سرزنش دنیا	۲۵۵
۱۱۴	بندها، برای مردم	۲۵۷
۱۵	ملت باران از خدا	۲۶۱
۱۱۶	اندروز یارانه خود	۲۶۳
۱۱۷	توبیخ دسانی؟ مال و جان بخل می‌ورزند	۲۶۵
۱۱۸	یاران ص. س.	۲۶۵
۱۱۹	مردم را جمع بده و آنان را به جهاد تحریک فرمود و آنان مدتی طولانی سکوت کردند	۲۶۵
۱۲۰	فضیلت خود و موعظه ص	۲۶۷
۱۲۱	پس از واقعه لیلۃ الہریر	۲۶۹
۱۲۲	زمانی که به لشکرگاه رفتند، آن را برای خواج ف و د	۲۷۱
۱۲۳	در میدان جنگ صفین به یاران خود فرمود	۲۷۳
۱۲۴	تحریک یارانش به جهاد	۲۷۳
۱۲۵	مسئله حکمیت، بعد از آن که نتیجه آن را شنید	۲۷۷
۱۲۶	هنگامی فرمود که در تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی مورد توجیخ گرفت	۲۷۹
۱۲۷	بیان بعضی از احکام دین، کشف (مردود) اعتراض خوارج و نقیض حکم	۲۷۹
۱۲۸	فتنه‌های بصره	۲۸۱
	توصیف اتراک	۲۸۳
۱۲۹	ذکر پیمان‌ها و ایثار سنجش‌ها	۲۸۳
۱۳۰	به ابودر، در آن هنگام که به رتبه تبعید شد	۲۸۵
۱۳۱	تبیین سبب مطالبه حکومت و توصیف پیشوای حق	۲۸۷
۱۳۲	مردم را موعظه فرموده و آنان را در دنیا به پارسایی دعوت می‌فرماید	۲۸۷
	ستایش خداوند	۲۸۷
	پند مردم	۲۸۹
۱۳۳	تعظیم به خداوند متعال و قرآن، و پند مردم	۲۸۹



خطبه	عنوان	صفحه
	خدا و رسول او.....	۳۱۵
	پرهیز از فتنه.....	۳۱۷
۱۵۲	صفات خداوند جل جلاله و صفات پیشوایان دین.....	۳۱۹
	پیشوایان دین.....	۳۱۹
۱۵۳	صفات انسان گمراه.....	۳۲۱
	صفات های غفلت زدگان.....	۳۲۱
	پند مردم.....	۳۲۳
۱۵۴	فضایل اهل بیت پیامبر ﷺ.....	۳۲۳
۱۵۵	سگفت، نگیز بودن خلقت شب پره (خفاش).....	۳۲۵
	حمد خدا و منزّه دانستن او.....	۳۲۵
	آفرینش ۴ سره.....	۳۲۷
۱۵۶	خطابه اهل بیت در جهت حوادث بزرگ.....	۳۲۹
	توصیف.....	۳۲۹
	حال اهل قبری رقیبت.....	۳۲۹
۱۵۷	تحریک و تشویق مردم به.....	۳۳۱
۱۵۸	فضیلت رسول اعظم ﷺ و قرآن، و ان ال دولت بنی امیه.....	۳۳۵
	پیامبر و قرآن.....	۳۳۵
	دولت بنی امیه.....	۳۳۵
۱۵۹	خوبی ارتباط زمامداری خود را با مردم جامعه خود توضیح می دهند.....	۳۳۷
۱۶۰	عظمت خداوندی.....	۳۳۷
	حمد خداوندی.....	۳۳۷
	امید چگونه می شود؟.....	۳۳۹
	رسول خدا ﷺ.....	۳۳۹
	موسی ﷺ.....	۳۳۹
	داوود ﷺ.....	۳۳۹
	عیسی ﷺ.....	۳۴۱
	رسول اعظم ﷺ.....	۳۴۱
۱۶۱	توصیف پیامبر و اهل بیت و پیروان دین او، موعظه مردم برای تقوا.....	۳۴۳
	رسول خدا و خاندانش و پیروان دین او.....	۳۴۳
	نصیحت به تقوا.....	۳۴۵
۱۶۲	در پاسخ یکی از یارانش که از او پرسید: چگونه قوم شما، شما را از این مقام که شایسته ترین.....	۳۴۷
	مردم به آن بودید، دفع و برکنار نمودند؟.....	
۱۶۳	خالق کائنات.....	۳۴۷

خطبه	عنوان	صفحه
	ابداع مخلوقات.....	۳۴۹
۱۶۴	هنگامی که برایش جمع شده و به علت ناراحتی که از عثمان داشتند، خواستند درباره مردم با وی صحبت کنند و رضایت مردم را از او طلب کنند.....	۳۵۱
۱۶۵	شگفت‌انگیز بودن خلقت طاووس.....	۳۵۲
	آفرینش پرندگان.....	۳۵۳
	طاووس.....	۳۵۳
	آفریدگان کوچک.....	۳۵۷
	توصیف بهشت.....	۳۵۷
۱۶۶	تحریک، الفت و انس.....	۳۵۹
	بنامیه.....	۳۵۹
	مرد آخرالزمان.....	۳۵۹
۱۶۷	در اوایل خلافت.....	۳۶۱
۱۶۸	آن را پس از آن خلافت او بیعت کردند، در پاسخ بعضی از یارانش که پیشنهاد کردند: اگر جمعی از کسانی را که مردم به شمار شهراندند، کیفر می‌دادی، [برای پیشرفت کار خلافت مناسب‌تر بود].....	۳۶۱
۱۶۹	هنگام حرکت اصحاب جمل به سوی بصره.....	۳۶۳
	حقایقی که موجب اجتماع مسلمانان می‌باشد.....	۳۶۳
	مردم را به نفرت از دشمنانش وادار می‌نماید.....	۳۶۵
۱۷۰	لزوم پیروی از حق، هنگام قیام دلیل.....	۳۶۵
۱۷۱	آن هنگام که تصمیم به رویارویی با قوم شامیان در صفین گرفت بود.....	۳۶۷
	نیایش.....	۳۶۷
	دعوت برای جنگ.....	۳۶۷
۱۷۲	ستایش خداوندی.....	۳۶۷
	روز شورا.....	۳۶۷
	طلب پیروزی بر قریش.....	۳۶۸
	درباره اصحاب جمل.....	۳۶۹
۱۷۳	درباره رسول خدا ﷺ و در این که چه کسی شایسته خلافت است، و در حقارت دنیا.....	۳۶۹
	رسول خدا.....	۳۶۹
	اوست شایسته خلافت.....	۳۶۹
	آفرینش دنیا.....	۳۷۱
۱۷۴	توضیح هویت طلحه بن عبیدالله، هنگام خبر حرکت طلحه و زبیر به سوی بصره برای جنگ.....	۳۷۳
۱۷۵	پند به مردم و تذکر خویشاوندی خود با رسول خدا ﷺ.....	۳۷۳

۱۷۶	پند به مردم و تبیین عظمت قرآن و نهی از بدعت‌گذاری	۳۷۵
	پند مردم	۳۷۵
	فضیلت قرآن	۳۷۷
	تحریک برای عمل	۳۷۷
	پندهایی برای مردم	۳۷۹
	تحریم بدعت‌ها	۳۷۹
	قرآن	۳۸۱
	انواع ستم	۳۸۱
	لزوم اطاعت	۳۸۳
۱۰۶	معنای دو داور	۳۸۳
۱۷۸	شهادت: تقوا، این خطبه را پس از کشته شدن عثمان در اول دوران خلافتش ایراد فرمود	۳۸۳
	تورسو و	۳۸۳
۱۷۹	پاسخ: دعهل صر که پرسید: ای امیرالمؤمنین علیه السلام ، آیا خدایت را دیده‌ای؟	۳۸۵
۱۸۰	توبیخ کسانی از یارانش	۳۸۷
۱۸۱	برای مردی از یاران اثر: او اطلاع از وضع گروهی از لشکریان کوفه فرستاده بود، که تصمیم گرفته بودند به گروه خوارج بپیوندند، حال که از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌ترسیدند	۳۸۹
۱۸۲	از نوف بکالی نقل شده است: این خطبه در $\frac{۱}{۲}$ در روی سنگ‌هایی که جمعه‌بن هبیره مخزومی برای او نصب کرده بود، برای ما خواند	۳۸۹
	حمد خدا و استعانت جویی از او	۳۸۹
	خداوند یگانه	۳۹۱
	بازگشت به ستایش	۳۹۱
	وصیت به تقوا	۳۹۳
۱۸۳	قدرت خداوندی، فضیلت قرآن، وصیت به تقوا	۳۹۷
	خداوند متعال	۳۹۷
	فضیلت قرآن	۳۹۷
	وصیت به تقوا	۳۹۹
۱۸۴	خطاب به «برج‌بن مسهر طائی» فرمود، زمانی که گفت: «حکمی نیست، جز از آن خداوندی»	۴۰۳
۱۸۵	ستایش خدا و ثنای رسول خدا صلی الله علیه و آله	۴۰۳
	حمد خداوند متعال	۴۰۳
	رسول اعظم صلی الله علیه و آله	۴۰۵
	در توصیف آفرینش اقسامی از جانداران	۴۰۵
	آفرینش آسمان و هستی	۴۰۷
	آفرینش ملخ	۴۰۷

۴۰۹.....	توحید و حقایق از اصول علوم الهی.....	۱۸۶
۴۱۷.....	بیان رویدادهای ناگوار.....	۱۸۷
۴۱۹.....	توصیه بر اموری.....	۱۸۸
۴۱۹.....	تقوا.....	
۴۱۹.....	مرگ.....	
۴۱۹.....	سرعت حرکت رو به فنا.....	
۴۲۱.....	ایمان و وجوب هجرت.....	۱۸۹
۴۲۱.....	اقسام ایمان.....	
۴۲۱.....	وجوب همت.....	
۴۲۱.....	دشوار-ایمان.....	
۴۲۱.....	علم و صبر.....	
۴۲۱.....	ستایش خدا درود پیامبر خدا 'پند مردم به تقوا.....	۱۹۰
۴۲۱.....	ستایش خداوند.....	
۴۲۳.....	درود بر پیامبر.....	
۴۲۳.....	پند برای تقوا.....	
۴۲۵.....	ستایش خدا و درود به پیامبر و توصیه مردم به 'سای و تقوا.....	۱۹۱
۴۲۷.....	رسول اعظم ﷺ.....	
۴۲۷.....	توصیه بر زهد و تقوا.....	
۴۳۱.....	خطبه قاصعه.....	۱۹۲
۴۳۱.....	پیشتان معصیت.....	
۴۳۱.....	آزمایش خداوندی، مخلوقات را.....	
۴۳۳.....	توصیه به تجربه و عبرت گیری.....	
۴۳۳.....	برحذر داشتن اولاد آدم ﷺ از شیطان.....	
۴۳۵.....	ترساندن مردم از کبر.....	
۴۳۷.....	برحذر داشتن مردم از اطاعت بزرگانی متکبر.....	
۴۳۷.....	عبرت اندوزی از گذشتگان.....	
۴۴۰.....	فروتنی پیامبران.....	
۴۴۱.....	کعبه مقدس.....	
۴۴۳.....	بازگشت به برحذر بودن.....	
۴۴۳.....	فضایل واجبات.....	
۴۴۵.....	تعصب در مال.....	
۴۴۷.....	عبرت گیری از امت ها.....	
۴۴۹.....	نعمت وجود رسول خدا ﷺ.....	
۴۴۹.....	سرزنش گنهکاران.....	



خطبه	عنوان	صفحه
	شجاعت و فضل او.....	۴۵۱
۱۹۳	توصیف مردمان با تقوا (خطبه همام).....	۴۵۷
۱۹۴	توصیف منافقین.....	۴۶۳
۱۹۵	ستایش خدا، درود به پیامبر خدا، پند مردم.....	۴۶۵
	ستایش خداوندی.....	۴۶۵
	شهادتین.....	۴۶۵
	پند مردم.....	۴۶۷
۱۹۶	مبعوث شدن پیامبر اکرم ﷺ.....	۴۶۹
	پند برای پارسایی.....	۴۶۹
۱۰۷	گاه ساختن مردم به فضیلت خود برای قبول سخن و امر و نهی رسول خدا ﷺ.....	۴۶۹
۱۹۸	حاطة م ح بند به جزئیات و تحریک مردم به تقوا و بیان برتری اسلام و قرآن.....	۴۷۱
	وصت به تق.....	۴۷۱
	فضیلت اسلام.....	۴۷۳
	رسول اعظم ﷺ.....	۴۷۵
	قرآن کریم.....	۴۷۵
۱۹۹	توصیه به یاران خود.....	۴۷۷
	زکات.....	۴۷۹
	امانت.....	۴۷۹
	علم خداوند متعال.....	۴۸۱
۲۰۰	درباره معاویه.....	۴۸۱
۲۰۱	مردم را به پیش گرفتن راه روشن در حرکت پند می دهد.....	۴۸۱
۲۰۲	هنگام دفن سرور زن ها فاطمه ﷺ.....	۴۸۱
۲۰۳	توصیه مردم به پارسایی و اعراض از دنیا و تشویق آنان به آخرت.....	۴۸۳
۲۰۴	اوقات بسیاری، یاران خود را با این سخن مبارک می خواند.....	۴۸۵
۲۰۵	خطاب به طلحه و زبیر پس از بیعت آن دو به خلافت.....	۴۸۵
۲۰۶	زمانی فرمود که شنیده بود گروهی از یارانش اهل شام را در روزهای جنگ صفین دشنام می دادند.....	۴۸۷
۲۰۷	زمانی فرمود که فرزندش امام حسن در یکی از روزهای جنگ صفین برای ورود به کارزار با شتاب حرکت می کرد.....	۴۸۷
۲۰۸	این سخن مبارک را زمانی فرمود که اصحاب او در قضیه حکمین اختلاف ورزیدند.....	۴۸۷
۲۰۹	در بصره، هنگامی که برای عیادت «علاء بن زیاد الحارثی» - از یارانش - به خانه او وارد شد.....	۴۸۹
۲۱۰	درباره احادیث بی اساس و اخبار مورد اختلاف در دست مردم.....	۴۸۹

خطبه	عنوان	صفحه
	منافقین	۴۹۱
	خطاکاران	۴۹۱
	اشتباه کنندگان	۴۹۱
	راستگویان حافظ	۴۹۳
۲۱۱	شگفت انگیز بودن ساختار عالم هستی	۴۹۳
۲۱۲	هنگامی که یاران خود را به جهاد با اهل شام تحریک می فرمود	۴۹۵
۲۱۳	تمجید و تعظیم خداوند متعال	۴۹۵
۲۱۴	توصیف حقیقت رسول خدا ﷺ و اندرز علما به تقوا	۴۹۷
	صفت لماء	۴۹۷
	اگر برادران بگویند	۴۹۹
۲۱۵	نیاید با خداوند	۴۹۹
۲۱۶	در صفین	۵۰۱
	حق حاکم و حق مملوک	۵۰۱
۲۱۷	تظلم و شکایت از قریب	۵۰۵
۲۱۸	بیان لشکریان اصحاب جسر به برادران جنگ با آن حضرت، به بصره می رفتند	۵۰۷
۲۱۹	روز جنگ جمل، هنگام عبور از کنار حنازه طلحه بن عبدالله و «عبدالرحمن بن عتاب بن اسید»	۵۰۷
۲۲۰	توصیف سالک راه خداوند سبحان	۵۰۷
۲۲۱	بعد از خواندن آیه: الهاکم التکائر حتی زرتم المصاب	۵۰۹
۲۲۲	هنگام خواندن آیه مبارکه: تسبیح می کنند خدا را در آن خانه مردانی در بامداد و شامگاه، مردانی که نه تجارت آنان را از ذکر خداوندی مشغول می دارد و نه خرید و فروش	۵۱۵
۲۲۳	هنگام تلاوت آیه شریفه: ای انسان! چه چیزی تو را در برابر خدا	۵۱۷
۲۲۴	بیزاری از ظلم	۵۲۱
۲۲۵	نیایش خداوند	۵۲۵
۲۲۶	برانگیختن نفرت مردم از دنیا	۵۲۵
۲۲۷	در این دعا به خدا پناه می برد که او را به رشد و کمال هدایت فرماید	۵۲۷
۲۲۸	خطاب به یکی از یاران	۵۲۷
۲۲۹	توصیف بیعتی که برای خلافتش نمودند	۵۲۹
۲۳۰	مطالبی دیگر	۵۲۹
	فضیلت عمل	۵۲۹
	امتیاز کوشش	۵۳۱
۲۳۱	در «ذی قار» هنگامی که رو به بصره می رفت	۵۳۱



خطبه	عنوان	صفحه
۲۳۲	به «عبدالله بن زمعه» فرمود که از شیعیان او بود و در روزگار خلافت نزد آن حضرت آمد..... ۵۳۳	۵۳۳
۲۳۳	فضیلت اهل بیت پیامبر ﷺ و فساد زمان..... ۵۳۳	۵۳۳
	فساد روزگار..... ۵۳۳	۵۳۳
۲۳۴	اختلاف مردم..... ۵۳۳	۵۳۳
۲۳۵	هنگام غسل و آماده کردن جنازه رسول خدا ﷺ برای دفن..... ۵۳۵	۵۳۵
۲۳۶	آن چه پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ بر آن حضرت گذشت..... ۵۳۵	۵۳۵
۲۳۷	سرعت به عمل..... ۵۳۵	۵۳۵
۲۳۸	وضع حکمین (ابوموسی اشعری و عمرو بن عاص) و توبیخ اهل شام..... ۵۳۷	۵۳۷
۲۳۹	۱۱ محمد ﷺ..... ۵۳۷	۵۳۷
۲۴۰	به «عبدالله بن عباس» هنگامی که نامه‌ای از عثمان در حال محاصره به آن حضرت رسید..... ۵۳۹	۵۳۹
۲۴۱	تحریر یاران ۱۰ به جهاد..... ۵۳۹	۵۳۹

نامه‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام

نامه	و ان	صفحه
۱	به اهل کوفه، هنگام حرکت از مدینه..... ۵۴۳	۵۴۳
۲	به اهل کوفه، پس از فتح بصره..... ۵۴۳	۵۴۳
۳	به قاضی خود شریح بن الحارث..... ۵۴۳	۵۴۳
۴	به یکی از فرماندهان سپاهش..... ۵۴۷	۵۴۷
۵	به اشعث بن قیس، کارگزار او در آذربایجان..... ۵۴۷	۵۴۷
۶	به معاویه..... ۵۴۷	۵۴۷
۷	به معاویه..... ۵۴۹	۵۴۹
۸	به جریر بن عبدالله البجلی، هنگامی که او را به طرف معاویه فرستاده بود..... ۵۴۹	۵۴۹
۹	به معاویه..... ۵۴۹	۵۴۹
۱۰	به معاویه..... ۵۵۰	۵۵۰
۱۱	خطاب به لشکری که به مقابله با دشمن فرستاده بود..... ۵۵۳	۵۵۳
۱۲	توصیه به معقل بن قیس ریاحی..... ۵۵۵	۵۵۵
۱۳	به دو امیر از امرای لشکرش..... ۵۵۵	۵۵۵
۱۴	توصیه‌ای به لشکریانش پیش از رویارویی با دشمن در صفین..... ۵۵۵	۵۵۵

نامۀ	عنوان	صفحه
۱۵	دعای آن حضرت، هنگام رویارویی با دشمن برای جنگ.....	۵۵۷
۱۶	هنگام جنگ.....	۵۵۷
۱۷	به معاویه در پاسخ نامه‌ای که به آن حضرت نوشته بود.....	۵۵۷
۱۸	به عبداللہ بن عباس کہ کارگزارش در بصرہ بود.....	۵۵۹
۱۹	به یکی از کارگزاران خود.....	۵۶۱
۲۰	به «زیادبن ابیہ» و او جانشین کارگزار آن حضرت (عبداللہ بن عباس) در بصرہ بود.....	۵۶۱
۲۱	به زیادبن ابیہ.....	۵۶۱
۲۲	به «اللہ بن عباس».....	۵۶۳
۲۳	حینت ^۱ حضرت پس از ضربہ ابن ملجم - لعنة الله - پیش از شہادتش.....	۵۶۳
۲۴	پس از بازگشت از صفین، درباره آن چہ کہ باید در اموال او عمل شود.....	۵۶۳
۲۵	این وصیت برای کسی نوشت کہ او را مأمور استیفای حقوق مالی می فرمود.....	۵۶۵
۲۶	به یکی از کارکنان، او را برای دریافت زکات فرستادہ بود.....	۵۶۹
۲۷	به محمدبن ابی بکرؓ، هنگامی کہ.....	۵۷۱
۲۸	پاسخی است بہ معاویہ.....	۵۷۳
۲۹	بہ اہل بصرہ.....	۵۷۹
۳۰	بہ معاویہ.....	۵۸۱
۳۱	بہ فرزندش «حسن بن علیؓ»، هنگام مراجعت ر «صفین».....	۵۸۱
	بہ یاد مرگ.....	۵۹۵
	مدارا در طلب.....	۵۹۵
	وصیت‌های متنوع (پراکنده).....	۵۹۷
	نظری درباره زن.....	۶۰۱
	دعا.....	۶۰۳
۳۲	بہ معاویہ.....	۶۰۳
۳۳	بہ «قتیب بن عباس» و او کارگزار آن حضرت در مکہ بود.....	۶۰۵
۳۴	بہ محمدبن ابی بکر، بہ هنگام ناراحتی محمد از عزل او از مصر و فرستادن مالک اشتر بہ جای او.....	۶۰۵
۳۵	بہ عبداللہ بن عباس پس از شہادت محمدبن ابی بکر.....	۶۰۷
۳۶	بہ برادرش «عقیل بن ابی طالب».....	۶۰۷
۳۷	بہ معاویہ.....	۶۰۹
۳۸	بہ مردم مصر، هنگامی کہ مالک اشتر را بر آنان والی فرمود.....	۶۰۹
۳۹	بہ عمرو بن العاص.....	۶۱۱



نام	عنوان	صفحه
۴۰	به یکی از کارگزارانش.....	۶۱۱
۴۱	به یکی از کارگزارانش.....	۶۱۱
۴۲	به «عمر بن ابی سلمه مخزومی» که کارگزار آن حضرت در بحرین بود.....	۶۱۵
۴۳	به «مصقله بن هبیره شیبانی»، کارگزار آن حضرت در «اردشیر خرة».....	۶۱۵
۴۴	به «زیاد بن ابیه».....	۶۱۷
۴۵	به «عثمان بن حنیف انصاری» که کارگزارش در بصره بود.....	۶۱۷
	و از این نامه است که با این قسمت پایان می‌یابد:.....	۶۲۱
۴۶	یکی از کارگزارانش.....	۶۲۳
۴۷	یتی است به حسن و حسین (علیه السلام) پس از آن که «ابن ملجم» - لعنة الله - او را زد.....	۶۲۵
۴۸	به معاویه.....	۶۲۷
۴۹	به معاویه.....	۶۲۷
۵۰	به فرمانده لشکرانش.....	۶۲۷
۵۱	به مأمورین مالیات.....	۶۲۹
۵۲	به فرماندهان شهرها.....	۶۳۱
۵۳	به «مالک اشتر نخعی» نوشته هنگام.....	۶۳۱
۵۴	به «طلحه» و «زبیر» به وسیله «عمران بن ابی سرح» بخزاعی.....	۶۶۱
۵۵	به معاویه.....	۶۶۱
۵۶	به «شریح بن هانی» هنگامی که او را در مقدمه لشکر خود به شام قرار داده بود.....	۶۶۳
۵۷	به اهل کوفه، در آن هنگام که از مدینه به بصره حرکت کرده زد.....	۶۶۳
۵۸	به مردم شهرها نوشته و آن چه را که بین او و اهل صفین به جریان افتاد.....	۶۶۳
۵۹	به «اسود بن قطیبه» فرمانده لشکر حواری.....	۶۶۵
۶۰	به کارگزارانی که سپاه وارد قلمرو آنان می‌شود.....	۶۶۵
۶۱	به «کمیل بن زیاد نخعی»، و او کارگزارش در «هیت» بود.....	۶۶۷
۶۲	به مردم مصر ارسال فرمود همراه «مالک اشتر».....	۶۶۷
۶۳	به «ابوموسی اشعری» کارگزار آن حضرت در کوفه.....	۶۷۱
۶۴	به معاویه در جواب نامه او.....	۶۷۱
۶۵	به معاویه.....	۶۷۳
۶۶	به «عبدالله بن عباس».....	۶۷۵
۶۷	به «قثم بن العباس» و او کارگزار آن حضرت در شهر مکه بود.....	۶۷۷
۶۸	پیش از روزگار خلافتش به «سلمان فارسی».....	۶۷۷

نامۀ	عنوان	صفحه
٦٩	به «حارث همدانی»	٦٧٧
٧٠	به «سهل بن حنیف انصاری»، او از طرف امام علیه السلام حاکم مدینه بود.	٦٨١
٧١	به «منذر بن جارود عیدی»	٦٨١
٧٢	به «عبدالله بن عباس»	٦٨٣
٧٣	به معاویه	٦٨٣
٧٤	این پیمان را بین مردم ربیعۀ و یمن نوشته و از خط «هشام بن الکلبی» نقل شده است.	٦٨٥
٧٥	به معاویه، در نخستین روزهای بیعت.	٦٨٥
٧٦	به «ع. عبدالله بن عباس»، هنگام حاکم قرار دادن او بر بصره	٦٨٥
٧٧	به «جدال بن عباس»، هنگامی که او را برای استدلال به بطلان موضع گیری خوارج فرستاد.	٦٨٧
٧٨	به «موسی اشعری»، پاسخی است در امر حکمین.	٦٨٧
٧٩	به فرماندهان 'حکریان'	٦٨٧

فهرست کتابها

٦٨٩	سخنان کوتاه	٦٨٩
٨١١	فهرست آیات	٨١١
٨١٥	فهرست ترجمه آیات	٨١٥
٨٢١	فهرست روایات	٨٢١
٨٢٣	فهرست ترجمه روایات	٨٢٣
٨٢٥	فهرست ادعیه	٨٢٥
٨٢٧	فهرست اعلام	٨٢٧
٨٣٣	فهرست مکانها	٨٣٣
٨٣٥	فهرست کتابها	٨٣٥

مسلم است که شناخت‌های معمولی هرگز نمی‌توان شخصیت علی بن ابیطالب (ع) را دریافت، به‌ویژه اگر پژوهشگر، مواردی جوای عناصر و فعالیت‌های روحی آن بزرگوار باشد. به عبارتی دیگر: حباب نمی‌تواند تمام مفهوم دریا باشد. حباب کجا و آن عظمت ژرف و شگفت‌انگیز کجا؟

به راستی، پدیده‌های ترکیبی و نگاه م‌عاز، انسانی درون شخصیت‌ها - با نظر به عظمت رشدی که دارند - بسیار پیچیده‌تر و ظریف‌تر از آن است که در انسان‌های معمولی به‌وجود آید. آموزه‌ای از «عدالت» و «محبت» با «وابستگی» خدا، متعالی، از علی بن ابیطالب (ع) شخصیتی ساخته است که دُر نادره دوران است. در جنگ صفین، لشکرش، ویه آب فرات را به روی لشکریان علی (ع) می‌بندد و آنان را در معرض هلاکت قرار می‌دهند. با فرمان علی (ع)، فرات به دست لشکریان علی بن ابیطالب (ع) می‌افتد و یاران علی (ع) می‌خواهند در مقابل تخلف «سرایان معاویه از قانون، آب را به روی لشکریان او ببندند.

علی (ع) فرات را در اختیار آنان می‌گذارد و از بستن آب به روی لشکریان معاویه جلوگیری می‌کند؛ همان «معاویه» ای که دشمن دیرین و خونخوار اوست. در جای دیگر، همین رفتار را، قاتل خود می‌کند. علی (ع) در تمام لحظات زندگی‌اش چنین شخصیت خاصی دارد. با این قیاس، انسان از دیدگاه شخصیت علی (ع) موضوعی است که در مجرای سه پدیده متنوع

مطرح است: محبوبیت، مشمول بودن به عدالت، وابستگی به خدا.

بر اساس تحقیقات همه جانبه‌ای که از آغاز ظهور اسلام تاکنون درباره شخصیت علی بن ابیطالب (ع) - چه به‌وسیله مشاهده کنندگان معاصر او و چه بعدها توسط متفکران صاحب‌نظر اسلامی و دیگر ملل - صورت گرفته است، این حقیقت پذیرفته شده که:

شخصیت علی علیه السلام چنان که در قلمرو مکتب‌های الهی - غیر از نبوت - در ردیف پیامبرانی مانند ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله - صاحبان رسالت کلی - قرار دارد، در قلمرو پیشتازان کاروانیان انسانی که تکامل در انسانیت را هدف‌گیری نموده‌اند نیز در صف اول جا گرفته است.

علی علیه السلام پیامبر نیست و خضوع و تسلیمش در برابر پیامبر اسلام و ایمان راستین او به خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله چیزی نیست که قابل کم‌ترین تردید باشد.

شایستگی علی علیه السلام برای مقام نمایندگی رسالت‌های کلی، نه تنها از سوی صاحب‌نظران جهان تشیع، بلکه ۷۰۰ کم‌ترین ابهامی از طرف همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی و غیر اسلامی ابراز شده است. به این نگاه نگاه کنیم:

۱- شبلی شمعیل رحمته الله علیه در بیش‌ازان مکتب مادگیری بود، می‌نویسد:

پیشوا ع بن ابیطالب بزرگ بزرگان، یگانه نسخه‌ای است که نه شرق و نه غرب، نه در گذشته و نه در ا، روزی مطابق این نسخه ندیده است.^۱

۲- جبران خلیل جبران یمنی دیگر نویسنده‌گان و متفکران انسانی مسیحی عرب می‌نویسد:

من معتقدم: فرزندان عالم نه ستن عرب بود که با روح کلی رابطه برقرار نمود. او اولین شخصیت از عرب بود که بنش نه ع کلی را در گوش مردمی طنین‌انداز نمود که پیش از او آن را نشنیده بودند... او از این دنیا رخت بربست، در حالی که رسالت خود را به جهانیان نرسانده بود. او چشم از این جهان پوشید. ما... پیامبرانی که در جوامع بشری مبعوث می‌شدند که گنجایش آن پیامبران را نداشتند... مردمی وارد می‌شدند که شایسته آن پیامبران نبودند و در زمانی ظهور می‌کردند که زمان آن بود. خدا را در این کار حکمتی است که خود دانایتر است.^۲

۳- میخائیل نعیمه نویسنده، صاحب‌نظر و متفکر انسانی مسیحی عرب می‌نویسد:

هیچ مؤرخ و نویسنده‌ای، هر اندازه هم که از امتیاز نبوغ و رادردی برخوردار باشد، نمی‌تواند از انسان بزرگی مانند پیشوا علی علیه السلام یک چهره کلی در مجموعه‌ای که حتی هزار صفحه هم باشد، ترسیم نماید و دورانی پر از رویدادهای بزرگ مانند دوران او را توضیح دهد. تفکرات و اندیشه‌های آن آبرمرد عربی و گفتار و کرداری را که او میان خود و پروردگارش انجام داده، نه

۱- الامام علی، صوت العدالة الانسانیة، جرج جرداق، چاپ اول / ۱۹.

۲- الامام علی، عبدالفتاح عبدالمقصود، ج اول، مقدمه ترجمه، چاپ اول.

گوشی شنیده و نه چشمی دیده است.

تفکرات، ایده‌ها، گفتارها و کردار او خیلی بیش از آن بوده است که با دست و زبان و قلم وی بروز کرده و در تاریخ ثبت شده باشد.^۱

۴- ایلیا پاولیچ پتروشفسکی استاد تاریخ دانشگاه لنینگراد می‌نویسد:

علی پروردهٔ محمد ﷺ و عمیقاً به وی و امر اسلام وفادار بود. علی تا سر حد شور و عشق، پای‌بند دین بود. او صادق و درستکار، در امور اخلاقی بسیار خرده‌گیر، و از نام‌جویی و مال‌پرستی به دور، و بی‌تردید هم مردی سلحشور، و هم شاعر، و تمام صفات لازمهٔ اولیاءالله در وجودش جمع بود.^۲

۵- جرج جرداق^۱ برترین نویسندگان انسانی مسیحی عرب می‌نویسد:

ایا^۱ مان بزرگی مانند علی را می‌شناسی که حقیقت انسانی را به عقول و مشاعر بشری آشنا سازد؟ آن - بیفت^۲ اند -ی که سرگذشتی چون ازل و آینده، باقی چون ادبیت و ژرفایی بس عمیق دارد که - یک^۳ - صاحبان عقول و نفوس بزرگ، مطابق روش و طبع خود، آن را درک می‌کند و دیگر انسان‌ها، عذر^۴ بدون این که خود بدانند - در سایهٔ آنان زندگی می‌کنند... آن حقیقت انسانی که امان^۵ همه^۶ تفه‌های مثبت در مقابل فلسفه‌های منفی است. منظورم از آن فلسفه‌ها، کاوش از م^۷ است که عامل اساسی ثبات و پایداری انسانیت در وجود انسان است. کاوشی که اگر تا ا-ا^۸ - حق ادامه یابد، به یکی از چهره‌های حقیقت خواهد رسید.

در این بحث و پیگیری، اندیشه و عقل و خیال^۹ - لیت‌های ناشی از آن‌ها، دست به دست هم می‌دهند، سپس بر موقعیت‌ها و عوامل و - نما^{۱۰} -ت با داشتن معانی مختلف تطبیق می‌یابند. علی این مطلق را به‌طور مخصوص دریافته^{۱۱} - پس با عقا^{۱۲} و قلبش درک کرده بوده که بالاترین قدرت‌ها، از پایداری و مقاومت روی آن مطلق^{۱۳} - سی^{۱۴} -ه^{۱۵} -رود

علی بدین‌سان تجسم‌یافتهٔ آن قدرت شگفت‌انگیز است که او را در پیروزی^{۱۶} -ها^{۱۷} - شکست‌ها^{۱۸} - یکسان نشان می‌دهد، زیرا عامل ملاک^{۱۹} او در پیروزی‌ها و شکست‌ها، همان قدرت است که در میدان جنگ - چه با چهرهٔ پیروزمند بیرون آید و چه با شکست روبه‌رو شود - و هم‌چنین در

۱- الامام علی، صوت العدالة الانسانیة / ۷.

۲- اسلام در ایران، پتروشفسکی، ترجمهٔ کریم کشاورز / ۴۹ و ۵۰.

میدان سیاست و هر میدان دیگری که برای تکاپوی زندگی تصور شود، یکسان است.^۱

۶- ابن سینا می‌نویسد:

... به این دلیل بود که شریف‌ترین انسان و عزیزترین انبیاء و خاتم رسولان صلی الله علیه و آله به مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزانه عقل امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

ای علی! چون مردمان در تکرر عبادت رنج برند، تو در ادراک معقول رنج ببر تا بر همه سبقت بگیری.

و این چنین خطاب جز در مورد بزرگی چون او راست نیامدی که او در میان خلق چنان بود که معقول در میان محسوس. لاجرم چون با دیده بصیرت عقل، مُدِرک اسرار گشت، همه غفایق را دریافت و به دیدن حکم داد. و برای این بود که گفت: اگر پرده برداشته شود، بر یقین من افزوده نشود.

۵ چ دولت دمی را زیادت از ادراک معقول نیست. بهشتی که به حقیقت آراسته باشد به انواع زنجیری و سبیل ادراک معقول است و دوزخ با عقاب و اشغال، متابعت اشغال جسمانی است که مرء و نر بند را اقتند و در جحیم خیال بمانند.^۲

۷- حسن بن یسار بصری از مسهور ترین علماء و دانشمندان قرن اول هجری، گفته است:

«علی بن ابیطالب رتانی ... سلام و عظمی و سابقه منحصر به فرد و نزدیکی با پیامبر اکرم. او هرگز از امر الهی غافل نوزید و در راه دین هیچ ملامتی در او تأثیر نداشت.»^۳

۸- ابن ابی‌الحدید شارح نهج‌البلاغه - که از متأخر ترین علماء و متفکر در فلسفه، کلام و صاحب‌نظر در تاریخ اسلام است - می‌نویسد:

امتیازات انسانی علی علیه السلام از لحاظ عظمت و جلال و ... را آن حد اعلاست که شرح کردن و بحث و تفصیل دادن آن‌ها ناروا و بیهوده است.

... من چه بگویم در حق مردی که دشمنانش نتوانستند عظمت او را فایز او را منکر شوند و همه آنان به برتری شخصیت او اعتراف کردند.

... من چه بگویم درباره مردی که همه فضیلت‌ها به او منتهی می‌شود و هر مکتب و هر گروهی، خود را به او منسوب می‌سازند. آری، اوست رئیس همه فضیلت‌ها.^۴

۱- الامام علی، صوت العدالة الانسانية، جرداق، ج اول / ۲۳ و ۲۴.

۲- معراجیه، ابن سینا، نقل از توفیق التطبيق، علی بن فضل الله الجیلانی / ۵۶.

۳- شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، مقدمه / ۵.

۴- همان، ج اول، چاپ مصر / ۱۶ و ۱۷.

۹- جلال‌الدین محمد مولوی (مولانا) یکی از بزرگترین عرفا و متفکران و حکمای بشری که حقایق فراوانی را در جهان‌بینی و خداشناسی و انسان‌شناسی به صورت قالب شعری بیان نموده، این گونه گفته است:

از علی آموز اخلاص عمل	شیر حق را دان منزّه از دغل
در غزا بر پهلوانی دست یافت	زود شمشیری برآورد و شتافت
او خدو انداخت بر روی علی	افتخار هر نبی و هر ولی
او خدو انداخت بر روی که ماه	سجده آرد پیش او در سجده‌گاه
در شجاعت شیر ربّانیستی	در مروت، خود که داند کیستی
ای عالم که مملو عقل و دیده‌ای	شمه‌ای واگو از آن چه دیده‌ای
تیغ صحت جان ما را چاک کرد	آب علمت خاک ما را پاک کرد
بازگو، دائم که بناسد هوست	زان که بی شمشیر کشتن کار اوست
بازگو ای باز عرصه خسار	تا چه دیدی این زمان از کردگار
چشم تو ادراک غیب آه وخته	چشم‌های حاضران بردوخته
از تو بر من تافت چون داری بن	می‌فشانی نور چون مه بی‌زبان
چون تو بایی آن مدینه‌ی علم را	چون شعاعی آفتابِ حلم را
باز باش ای باب رحمت تا ابد	بارگاه ما له کفو آخدا

۱۰- محمد ابوالفضل ابراهیم محقق بزرگ که شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید را مورد تحقیق عالمانه قرار داده، چنین می‌نویسد:

در شخصیت امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) به اندازه‌ای کمالات و عظمت‌های روحی و نورانیت تکاملی و شرافت عالی توأم با فطرت پاک و ناسیب خداوندی جمع شده است که در هیچ یک از انسان‌های بزرگ دیده نمی‌شود.^۲

۱۱- محمد عبده بزرگ‌ترین روحانی و دانشمند عالم تسنن - معاصر سید جمال الدین اسدآبادی -

می‌نویسد:

هنگام مطالعه نهج البلاغه، گاهی یک عقل نورانی را می‌دیدم که شباهتی به مخلوق جسمانی نداشت. این عقل نورانی از گروه ارواح و مجردات الهی (ملکوتیان) جدا شده و به روح انسانی

۱- مثنوی معنوی، دفتر اول.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، مقدمه به قلم ابوالفضل ابراهیم.

پیوسته، و آن روح انسانی را از پوشاک‌های طبیعت تجرید نموده، تا ملکوت اعلا بالا برده و به عالم شهود و دیدار روشن‌ترین انوار نایل ساخته است. و با این وصف شگفت‌انگیز، پس از رهایی از عوارض طبیعت، در عالم قدس آرمیده است.

لحظات دیگری، صدای گوینده حکمت را می‌شنیدیم که واقعیات درست را به پیش‌تازان و زمامداران گوشزد می‌کرد و موقعیت‌های تردیدآمیز را به آنان نشان می‌داد، و آنان را از لغزش‌های اضطراب‌آور برحذر می‌داشت، و به دقایق سیاست و طرق کیاست راهنمایی می‌کرد، و آنان را با مقام واقعی ریاست آشنا می‌ساخت و به عظمت تدبیر و سرنوشت شایسته بالا می‌برد.^۱

گاهی ^۱ محمد علیه السلام به علی علیه السلام داشت، نگاه به یک مؤمن ساده نبود، بلکه نگاهی سرشار از اشارات خواننده‌شد بود.

مجموعه سخنانی که «مدینه دربارۀ علی علیه السلام» فرموده، به روشنی اثبات می‌کند که علی علیه السلام در قلمرو مکتب‌های الهی در «اول رهبران است. از این رو، رسالت او به عنوان نمایندگی کل از رسالت‌های کلی تاریخ، «تیا ج» به گو و تفصیل بیش‌تر ندارد. این سخنان را بخوانیم:

۱- ای علی! نسبت تو به من نند نسبت هارون به موسی است، جز در نبوت که پس از من پیامبری نیست.

۲- هر کس که من مولای او هستم، علی مولای او است.

۳- به علی ناسزا نگویند، او شیفته و بی‌قرار ذات الهی است.

۴- پروردگار عالمیان درباره علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرموده است: علی پرچم هدایت، کانون نور ایمان، پیشوای اولیاء الله و نور برای هر کس است که مرا اطاعت کند.

۵- علی امیر مردم با ایمان، پیشوای متقین و رهبر کسانی است که مرا اطاعت کنند. عتقا پاک به بهشت پروردگار عالمیان است. کسی که او را تکذیب کرد، رسوا و ساقط شد.

۶- «هر کس بخواهد به حضرت آدم علیه السلام در علمش بنگرد و به روح علیه السلام در تقوایش و به ابراهیم علیه السلام در بردباری‌اش و به موسی علیه السلام در هیبتش و به عیسی علیه السلام در عبادتش، بنگرد به علی بن ابیطالب.

دو نکته بارز در شخصیت او حایز اهمیت است که از دیدگاه خودش به خوبی می‌توان آن‌ها را شناخت:

۱- شرح نهج البلاغه، محمد عبده، مقدمه به قلم محمد عبده / ۷.

اول، علی علیه السلام یک فرد راستگو و صادق محض بود. در سر تاسر زندگی اش، در کردار و گفتار و رفتارش، جز صدق و راستی نمی توان یافت. طبیعت انسانی او در اوج کمال راستی و درستی قرار داشت.

دوم، گروهی از پاک ترین مردم صدر اسلام تحت تعلیم شخصیت خاص علی علیه السلام قرار داشتند که این تربیت یافتگان، خود هر یک سرآمد زمان خود شدند؛ کسانی مانند سلمان، ابوذر، مالک اشقر، عمار، میثم و... که عالی ترین مراحل رشد و کمال را در حوزه جاذبیت شخصیت علی علیه السلام پیمودند. فهرست هشتاد و یک تن از این نخبگان و برگزیدگان را می توان در تاریخ حیات آن بزرگ مرد تاریخ یافت.

... و سرانجام میراث مبارک و نابی که به تصدیق عالمان دین، بی هیچ خدشه و عیب و نقصی از او به امانت به دست ما رسیده، مجموعه گهربار نهج البلاغه اوست.

با اطمینان می توان گفت: بهترین نامی که بر مجموعه سخنان مبارکش در هر سه شکل (خطبه ها، نامه ها، کلمات قصار و حکامه) ^۱ داشته شده، همین نهج البلاغه است، زیرا لغت عربی «بلاغت» در یک موضوع به معنای «صور» ^۲، «طلقة» ^۳ بوط به آن موضوع است.

پس از کتاب خدا (قرآن مجید)، سه واسطه ای دقیق و همه جانبه در مجموعه نهج البلاغه، اثبات می کند که صاحب این سخنان - به طور عام - ^۴ همه حقایق زندگی انسان در ارتباط های چهارگانه آشنایی قلبی و عقلی تام و تمام داشته است

۱- ارتباط انسان با خویشتن

۲- ارتباط انسان با خدا

۳- ارتباط انسان با جهان هستی

۴- ارتباط انسان با هم نوع خود

این آشنایی، تنها به وسیله مفاهیم و دریافت کلی و مطلق نبوده، ^۵ به گونه ای که این سخنان مبارک نشان می دهد - خصوصاً در وضعیتی که به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام، ^۶ برنامه اداره جامعه بشری که به مالک اشتر فرموده - به خوبی بیانگر آن است که واقعیات عینی دنیا همه اصول کلی و ثابت ارتباطات چهارگانه، در آن روح بزرگ در مقام شهود و درک بوده است.

تاکنون دیده نشده که بشریت توانسته باشد در جایی پاسخ های حقیقی سؤالات شش گانه اصلی را، مانند پاسخ هایی که در این مجموعه نورانی آمده است، بیابد.

این سؤالات از این قرارند: ۱- من کیستم؟ ۲- از کجا آمده ام؟ ۳- به کجا آمده ام؟ ۴- با کیستم؟

۵- برای چه آمده بودم؟ ۶- به کجا می روم؟

ما هم موافق با یکی از علی‌شناسان می‌گوییم:

آن‌چه بین ذات علی بن ابیطالب (علیه السلام) و خویشتن گذشته و آن‌چه بین خویشتن علی و خدا و هستی - در دو قلمرو آن‌چنان‌که هست و آن‌چنان‌که باید - ظهور کرده است، و آن‌چه علی (علیه السلام) دربارهٔ رسالتش برای بشریت منظور کرده بود، نه از زبان مبارک او بیرون تراوید، و نه این کتاب (نهج‌البلاغه) ظرفیت ارائهٔ آن را داشته است.

به راستی، حکمت وجود چنین شخصیت والایی را تنها در مجموعهٔ نورانی و پرفروغی که برای ارائهٔ راه‌های کمال بشری به ودیعه گذاشته، تا حدودی می‌توان مشاهده کرد.

در پایان، از دانشمند و ادیب محترم جناب آقای داریوش شاهین که با کمال اخلاص در بازنگری تطبیقی و برایش این ترجمه به مدت یک سال بذل مساعی نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم. هم‌چنین، 'راقا' علی جعفری مدیریت محترم مؤسسهٔ نشر کرامت^۱ که با همت والا در آماده‌سازی این کتاب سعی و تلاش خستگی‌ناپذیر مبذول داشته است، تشکری به‌جا دارم، که اجرهم عندالله تعالی انشاءالله.

محمدتقی جعفری

سوم آبان‌ماه ۱۳۷۵

یادآوری

مقدمه‌ای که از نظر شما عزیزان گذشت، «اد» محمدتقی جعفری بیست و دو روز پیش از رحلت به‌دنبال معالجات در کشورهای نروژ و انگلستان در هما «ایا» بیماری و معالجه نوشته و برای «مؤسسه نشر کرامت» ارسال داشته و تأکید فرمودند: این مقدمه عیناً و «را» مئة کامل متن نهج‌البلاغه علی (علیه السلام) چاپ شود، که به دیدهٔ مطاع انجام شد.

جای بسی تأمل است که ایشان در تمام عمر، حتی در اوج شدت بیماری و قلم بر زمین نگذاشت و مقهور رنج و درد نشد. امید که خداوند متعال رحمت و اسعۀ خویش و برکت و «ایلی» آن جهانیش نیز بخشد.

۱- مؤسسه نشر کرامت، در سال ۱۳۷۸ به مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تغییر نام یافت.